

دانشنامه‌های فارسی: نگاه از عمق

قاسملو: در استفاده از یک دانشنامه نخستین توقع این است که با کم‌ترین هزینه و صرف زمان و انرژی به مدخل موردنظر دست پیدا کرد و از این مجلد به آن مجلد سرگردان نشد. دوم اینکه با استفاده از متن مقاله و منابع آن، اطلاعات اصیل و عمیق به خواننده ارائه شود. سوم آنکه زبانش زبان مغلقی نباشد و اطلاعات قابل فهم باشد. درازگویی و زیاده‌گویی نکرده باشد. کتاب نمی‌خوانیم، بلکه با یک مقاله دانشنامه روبه‌رو هستیم. اگر مقاله دانشنامه ما مفصل باشد و منبع داشته باشد، توقع من در برخورد با منابع چیست؟ در موقع ضبط منابع اسم‌ها باید شکسته شود یا نباید شکسته شود؟

اصولاً در منابع دانشنامه‌ای باید از منابع درجه اول استفاده کرد، در این صورت تعریف این منابع درجه اول چیست؟ مثلاً اگر یک مقاله دایرةالمعارفی و یا شبه‌دایرةالمعارفی داریم، آیا می‌توانیم آن را در دایرةالمعارف بگذاریم و بعد اسم دایرةالمعارف‌مان را دانشنامه بگذاریم یا نمی‌توانیم؟ میزان آماری اشتباهات در دایرةالمعارف‌ها چقدر است؟ و تا چه حد دایرةالمعارف را تشکیل می‌دهد و چه میزان بیشتر از آن، دایرةالمعارف را به یک مجموعه مقالات تبدیل می‌کند. سرکار خانم میرهادی به نظر شما در ضبط مدخل‌های دانشنامه چه چیزهایی باید باشد و آیا می‌توانیم با مطالبی که من خدمت‌تان عرض کردم به یک مدخل‌نامه واحد برسیم که این مدخل‌نامه واحد دستاویزی برای دانشنامه‌های عمومی زبان فارسی باشد؟

میرهادی: سؤال شما، سؤال بسیار مهمی است، اما ما در فرهنگ‌نامه بیشتر از هر امری به مخاطب توجه داشته‌ایم. در هدف‌گذاری فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان، ما عملاً کودکان را بین سنین ۱۰-۱۶ در نظر گرفته‌ایم مبنای این انتخاب برای این است که قبل از ده سال بچه‌ها به کتاب‌های مرجع دیگری مانند کتاب‌هایی که در مورد گیاهان، جانوران، آگاهی‌هایی می‌دهند،

شرکت‌کنندگان:

۱. آقای فرید قاسملو: عضو هیأت علمی
بنیاد دایرةالمعارف اسلامی
۲. آقای دکتر ابراهیم افشارزنجانی: ویراستار
علمی کتابخانه ملی ایران
۳. آقای دکتر مصطفی اجتهادی: عضو هیأت
علمی دانشگاه
۴. خانم توران میرهادی: دبیر اجرایی فرهنگ‌نامه
کودکان و نوجوانان
۵. خانم نسرین عماد خراسانی: عضو شورای
اجرای «فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان»
۶. خانم مهناز مقدسی: مؤلف، ویراستار و
عضو مدخل‌گزینی دایرةالمعارف پزشکی اسلام و ایران

سرفصل‌های میزگرد عبارت است از:

۱. بررسی مبانی پایه دانشنامه‌های فارسی
۲. تطبیق مبانی پایه در چند دانشنامه فارسی
۳. بحث درباره لزوم یا عدم لزوم اتخاذ وحدت رویه در
ذکر مبانی پایه در دانشنامه‌های فارسی



میرهادی:
در فرهنگنامه بیشتر از هر
امری به مخاطب توجه
داشته‌ایم

از جمله مجموعه «به من بگو چرا» مراجعه می‌کنند و بیشتر این نوع کتاب‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ده سالگی یعنی حدود سال چهارم دبستان بچه‌ها نوعی تفکر هنرمند پیدا می‌کنند و براساس آن به یک سری اطلاعات نیاز دارند تا جواب پرسش‌هایشان را دریابند. بنابراین از نظر مخاطب، مهم‌ترین مسأله برای ما این بود که این فرهنگنامه بتواند پاسخگوی نیاز کودکان سنین یادشده باشد. در این زمینه تخته‌پرش را کتاب درسی قرار دادیم، زیرا اغلب برای کودکان در هنگام مطالعه کتب درسی، سوالاتی پیش می‌آید که بدین ترتیب با مراجعه به فرهنگنامه می‌توانند پاسخ خود را بیابند. در حقیقت کودکان ۱۰-۱۶ ساله از آغاز تأسیس فرهنگنامه با ما همراه بوده‌اند و بعد از ۲۵ سال نیز ما را همراهی می‌کنند. آن چیزی که تحت عنوان دفتر مدخل‌ها مشخص می‌شود، متغیر است و با زمان، مکان و هدف‌گذاری فرهنگنامه تغییر می‌کند؛ هم‌چنین بسته به اینکه چه نوع دایره‌المعارفی تهیه می‌شود این عامل متغیر است. به نظر من دفتر ثابتی برای مدخل‌های همه دایره‌المعارف‌ها نمی‌توان در نظر گرفت، زیرا علم در حال تغییر و گسترش است و هدف تألیف هر دایره‌المعارف متفاوت با دیگری است. این نکته را هم اضافه کنم که در فرهنگنامه کودکان و نوجوانان بسیار به فرهنگ‌سرزمین خودمان توجه داشته‌ایم و بیش از نیمی از مقالات آن معطوف به ایران است، اگرچه فرهنگنامه، دایره‌المعارف عمومی است که تمام دانش‌های بشری در آن ذکر شده است. شاید در دایره‌المعارفی مثل بریتانیکا بتوان یک دفتر مدخل تهیه کرد، ولی کلاً نمی‌توان مدخل‌های عمومی را در نظر گرفت و همه دایره‌المعارف‌ها را ملزم به استفاده از این دفتر مدخل‌ها کرد.

عماد خراسانی: سرکار خانم میرهادی عصاره کلام را بیان کردند. من به نکته‌ای که شما در ابتدا فرمودید، یعنی رسیدن به یک الگوی واحد در دانشنامه‌نویسی می‌پردازم. من مثالی برای شما می‌زنم. آموزش رسمی شامل مقاطع پیش‌دبستانی، دبستانی، راهنمایی و دبیرستان است. همه این مقاطع تحت یک الگوی واحد آموزشی یعنی از یک نظام آموزشی گرفته شده و برنامه‌ریزی می‌شود، ولی آیا همان برنامه‌ای که برای دانش‌آموز پیش‌دبستانی طراحی شده برای دانش‌آموز دبیرستانی نیز مناسب است؟ تفاوت‌های آشکاری بین مخاطبان برنامه‌ریزی آموزشی وجود دارد. حتی برای آموزشیاران نیز برنامه‌ریزی متفاوتی صورت گرفته است. در حالی که همه تحت پوشش یک نظام آموزشی هستند. در کار دایره‌المعارف‌نویسی هم، چنین مسأله‌ای حاکم است. دایره‌المعارف‌نویسی امری بسیار علمی و ارزشمند است و تنها در دنیای امروزی نیست که می‌توانیم بگوییم دایره‌المعارف‌نویسی صاحب‌الگو شده و یک سری معیارها بر آن حاکم شده است. از زمان‌های قدیم مانند دوره «دیدرو» در زمینه دایره‌المعارف‌نویسی به الگوهای دست‌یافته بودند که ما براساس نیازمان آن را به تدریج دریافت کردیم و در جهت همسانی با فرهنگ خودمان انتخاب‌هایی را انجام داده‌ایم. دایره‌المعارف در گسترش فرهنگ و ترویج علم معنا پیدا می‌کند. بنابراین دایره‌المعارف‌نویسی رسالت خطیر و بزرگی است. اگر دایره‌المعارف بخواهد جامعه را



تغذیه فرهنگی، علمی و اطلاعاتی کند، مخاطبان متنوع، گوناگون و متعددی خواهد داشت. در تقسیم‌بندی دایرة المعارف‌ها، یک نوع آن دایرة المعارف عمومی است که در همین عمومی بودن هم موارد خاصی نیز وجود دارد. چنان که فرهنگنامه کودکان و نوجوانان از انواع دایرة المعارف عمومی است، ولی مخاطب آن کودکان هستند. پدر، مادرها و معلم‌ها از آن به خوبی استفاده می‌کنند و یا دانشنامه جهان اسلام، هر چند دارای عنوان اسلام است، اما دارای مدخل‌های متعدد و فراوانی است، زیرا دانشنامه فوق، دانشنامه جهان اسلام است با همه آدم‌هایی که در این جهان زندگی می‌کنند، نه تنها اسلام. بنابراین نوع مخاطب اهمیت زیادی دارد. در مورد دانشنامه‌ها همان‌گونه که نمی‌توانیم بگوییم الگوی همه دانشنامه‌ها واحد و یکسان است، هم چنین نمی‌توانیم بگوییم که بر مبنای یک الگوی واحد عمل می‌کنند. در مبنای پایه به راحتی می‌توان چند عنصر مشترک را در همه آنها مشاهده کرد و اگر اشکالی رخ دهد، در راستای قوانین موضوعه قابل بررسی است. بحث صحت، مستند بودن، اطلاعاتی بودن، انتخاب اطلاعات درست، منبع صحیح و موثق همه جزء اصول پایه است.

افشار: دایرة المعارف نویسی سنتی است که به معنای معاصر از دوران روشنگری آغاز شده است. سنت روشنگری دارای موازین خاص خود بوده است که آن را از سایر دوران جدا می‌کند. نگاهی که در دوران روشنگری شکل گرفته و تا این عصر ادامه یافته است، این نگاه منطبق خاص خود را دارد. امروزه در دایرة المعارف‌های فارسی، ساخت‌گرایی و گرایش به طرف ساخت‌گرایی را مشاهده می‌کنیم. مبنای پایه در دایرة المعارف‌های معاصر، مانند ساختار داشتن مدخل‌ها، زبان و بیان موجز، مستقیم و سریع و غیره است که ویژگی زبان و ساختار دایرة المعارف نویسی را نشان می‌دهد. هنگامی که به یک دایرة المعارف نگاه می‌کنیم، انتظار داریم که ویژگی‌هایی چون زبان تجویز و احساسی نداشتن و عقل سلیم و خردگرایی برخاسته از دوران روشنگری را دریابیم. مبنای پایه هم چنین شامل دانستن متن مدرن است، متن مدرن، متنی است که بتواند از خود دفاع کند، متنی که زیر استیلائی سنت نباشد و خرد مخاطب را مورد خطاب قرار دهد.

دایرة المعارفی که ساختار و مدخل‌هایش منطبق درونی نداشته باشد، ضعف دارد و نشان می‌دهد که ذهن نویسنده شکل نگرفته است. به عقیده من دایرة المعارف‌هایی که در کشور ما تألیف شده‌اند، به اندازه کافی از این خصوصیات بهره‌مند بوده‌اند. در این حد انتظار داریم که دایرة المعارف نویسان در کشورمان موازینی را که در دایرة المعارف‌های جهانی رعایت می‌شود در نظر بگیرند، ولی حیطه‌ها و مخاطبان دانش‌های گوناگون با هم تفاوت دارند. اگر بخواهیم از این حدود فراتر برویم می‌توانیم ستادی مرکزی برای سامان و شکل دادن به دایرة المعارف‌های کشور ایجاد کنیم. البته همه دایرة المعارف‌های خارجی حالت انسجام و فراگیری که بعضاً سواس کار ماست را ندارند. من فکر می‌کنم ما در این امر بیش از حد



عماد خراسانی:
دایرة المعارف در گسترش فرهنگ و ترویج علم، معنا پیدا می‌کند. بنابراین دایرة المعارف نویسی رسالت خطیر و بزرگی است. اگر دایرة المعارف بخواهد جامعه را تغذیه فرهنگی، علمی و اطلاعاتی کند، مخاطبان متنوع، گوناگون و متعددی خواهد داشت.



افشار:

دایرةالمعارف نویسی سنتی است که به معنای معاصر از دوران روشنگری آغاز شده است. سنت روشنگری دارای موازین خاص خود بوده است که آن را از سایر دوران‌ها جدا می‌کند.

باید دایرةالمعارف نویسی را فرآیندی همیشگی در نظر بگیریم. آنچه مهم است این است که روح دوران نوین را در خود داشته باشد. چیزی که در مصاحب در جهت عالی وجود داشته در فرهنگنامه کودکان و نوجوانان به حدستایش وجود دارد.

جاه طلب هستیم. برای همین در تدوین یک دایرةالمعارف خاص سعی می‌کنیم تمام مدخل‌ها را بگنجانیم و آن را حتماً کامل بنویسیم، انگار که ویرایش بعدی وجود نخواهد داشت و دنیا به آخر می‌رسد! در حالی که این گونه نیست، باید دایرةالمعارف نویسی را فرآیندی همیشگی در نظر بگیریم. آنچه مهم است این است که روح دوران نوین را در خود داشته باشد. چیزی که در مصاحب در جهت عالی وجود داشته و در فرهنگنامه کودکان و نوجوانان نیز به حدستایش وجود دارد.

اجتهادی: من خود را دایرةالمعارف نویسی نمی‌دانم هر چند جسارت به خرج دادم و با عده‌ای از دوستان کاری را شروع کردیم و طرحی ریختیم که متأسفانه نتوانستیم آن را اجرا کنیم. سخنانی که من عرض خواهم کرد به تجربیاتی که در طول کار در دایرةالمعارف زن ایرانی کسب کردم، بازمی‌گردد. در پاسخ به این سؤال که آیا ضبط مدخل‌ها می‌تواند ضابطه مند باشد و آیا ما می‌توانیم بر اساس ضوابطی، الگویی تعریف کنیم؛ بنده با کمی احتیاط جواب سؤال شما را مثبت می‌دهم. باید این گونه باشد و اگر غیر از این باشد، درست نیست. ما در تحقیقات مان در پی این بودیم که بدانیم چرا دایرةالمعارف نویسی ایجاد شد؟ در یک کلام باید گفت دایرةالمعارف، مجموعه دانسته‌هایی است که باید جمع‌آوری شود تا پایه دانش امروز را تشکیل دهد و راه رسیدن فردا را هموار کند. «دیدرو» و افرادی نظیر او در قرن هیجدهم به همین نیت دانشنامه‌نویسی را شروع کردند. انسان جدیدی که زاده می‌شود، چه می‌داند؟ محدوده دانش او چقدر است؟ عمرش چقدر است؟ بر این اساس دایرةالمعارف نویسی آغاز شد و اکنون دو قرن از شروع آن می‌گذرد و اکنون به مرحله‌ای رسیده‌ایم که دایرةالمعارف‌ها را در انواع عمومی و تخصصی داریم. به نظر من دایرةالمعارف تخصصی باید مدخل‌نامه داشته باشد. همان گونه که گروه ما در تدوین دایرةالمعارف سعی نمود مدخل‌نامه را بگنجاند. اگر قصد تألیف دایرةالمعارف را داشته باشیم، باید هدفمان را تعیین کنیم. دایرةالمعارف می‌تواند در موضوعاتی مانند فیزیک، شیمی و غیره که هر کدام حیطه‌هایی از دانش بشری هستند، تدوین شود. این حیطه‌ها باید قابل تعریف باشد، اگر قابل تعریف نباشد به این معناست که ما این حیطه را نمی‌شناسیم. بنابراین برای شروع کار دایرةالمعارف نویسی باید حیطه را تعریف کنیم. در دایرةالمعارف‌های ایرانی کمتر به این مسأله توجه شده است، به عنوان نمونه، کلمه اسلام تعریف نشده است و به اینکه چه حوزه‌های جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و یا اجتماعی را شامل می‌شود، اشاره‌ای نگردیده است. اگر تعریف وجود داشته باشد، مدخل‌نامه در چارچوب آن تعریف قابل تنظیم است. یعنی مدخل‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که آن حوزه را برای ما تبیین می‌کند. ظاهراً مانند پازل می‌ماند. هنگامی که مهره‌های پازل را کنار هم قرار می‌دهیم، یک تصویر کامل را به ما نشان می‌دهد. هنگامی که مدخل‌ها کنار یکدیگر قرار گیرد، حوزه تعریف می‌شود، بنابراین انجام این کار امکان‌پذیر است. البته در صورتی که از دایرةالمعارف مورد نظر، تعریف مشخصی داشته باشیم.

قاسملو: همان گونه که خانم میرهادی اشاره کردند که سطوح و تخصص دایرةالمعارف‌ها باید مشخص شود.

اجازه بدهید که وارد مباحث تئوریک شویم و به عنوان مثال نیز، موارد واقعی را نام ببریم. مثلاً ما یک مدخل داریم که عام است و ممکن است در تمام دایرةالمعارف‌ها وارد شود، مانند مدخل «ابوالوفای بوزجانی»، ریاضی دان ایرانی قرن سوم که در بغداد زندگی می‌کرد. اگر ما یک دایرةالمعارف تخصصی ریاضیات داشته باشیم، این مدخل در آن هم جای می‌گیرد. هم چنین در مداخل دانشنامه جهان اسلام و فرهنگنامه کودکان و نوجوانان و دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نیز قرار می‌گیرد و باتوجه به سبک دایرةالمعارف، مخاطبان آن، عمومی یا تخصصی بودن دانشنامه، مختصر و یا مفصل بودن، نوع مقاله متفاوت خواهد بود. مدخل «ابوالوفای بوزجانی» می‌تواند به صورت ابوالوفای بوزجانی مدخل شود، مانند دایرةالمعارف اسلام لیدن و ترجمه فارسی آن دانشنامه ایران و اسلام و یا باید «بوزجانی، ابوالوفا» مدخل شود، مانند دانشنامه جهان اسلام یا دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. علاوه بر این اگر ما بتوانیم به این توافق برسیم که باید به صورت «ابوالوفای بوزجانی» مدخل شود، آیا یک قدم به جلو برداشته ایم یا نه؟ یا اینکه مداخل‌ها به این سمت پیش بروند که در جاهایی «ابوالوفای بوزجانی» مدخل شود و عده‌ای، «بوزجانی،

ابوالوفا» را مدخل کنند. وقتی دایرة المعارف تخصصی می شود مدخل شکل دیگری پیدا می کند، مثلاً در دایرة المعارف زن ایرانی، اگر مدخل زن و غیره را داریم، تمام دامنه های آن را باید داشته باشیم یا به یکی اکتفا کنیم و یا در دایرة المعارف کتابداری و اطلاع رسانی، اگر مدخل کتابخانه آذربایجان شرقی را داریم، باید تمام استان های ایران را داشته باشیم و یا دلیلی وجود دارد که استان ها را ذکر نکنیم. در این موارد همکارم، خانم مقدسی چند مدخل خاص را از چند دانشنامه جمع آوری کرده اند، از وی خواهش می کنم که گزارش بدهند.

مقدسی: همان گونه که آقای قاسملو اشاره کردند، بحث در مورد انتخاب نام شهر برای مدخل هاست، صحیح است که توجه به مخاطب یکی از مضامین اصلی دانشنامه نویسی است، اما تفاوت در میان دانشنامه ها در انتخاب نام شهر، گاهی اوقات سؤال ایجاد می کند. گاه در داخل یک دانشنامه نیز نوع انتخاب نام شهر مداخل متفاوت است. یعنی اگر مبنای این باشد که اسم خانوادگی یا لقب در ابتدا قرار گیرد، این روال در همه جای دانشنامه رعایت نمی شود، به عنوان نمونه، در فرهنگنامه کودکان و نوجوانان «اعتصامی، پروین» و یا «بیهقی، ابوالفضل» آمده، ولی در همین دانشنامه مدخل «ابوریحان بیرونی» درج شده است. در حالی که مدخل ابوریحان بیرونی در دایرة المعارف های دیگر مانند دانشنامه جهان اسلام، تشییع، به صورت بیرونی، ابوریحان آمده است و یا صورت بیهقی، ابوالفضل در دانشنامه های دیگر به کار رفته و یا پروین اعتصامی در دانشنامه جهان اسلام، دایرة المعارف زن ایرانی، به همین صورت مدخل شده، اما در فرهنگنامه کودکان و نوجوانان اعتصامی، پروین مدخل شده است. در فهرست مستند و مشاهیر که می تواند مبنایی برای مدخل های ما باشد و کار عظیمی بوده که زحمت زیادی برای آن کشیده شده است، اعتصامی، پروین مدخل شده است. ضمن آن که ما مداخلی نیز داریم که بسیاری از دانشنامه ها آن را به حروف بعدی ارجاع می دهند. در حالی که ممکن است سال ها طول بکشد تا آن حروف بیرون بیاید، مثلاً دایرة المعارف بزرگ اسلامی، «انقلاب اسلامی ایران» را به «جمهوری اسلامی» ارجاع می دهد. بنابراین ما باید منتظر باشیم تا جمهوری اسلامی بیرون بیاید. در حالی که دایرة المعارف تشییع و فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، ذیل مدخل انقلاب اسلامی مقاله دارند.

قاسملو: بنابراین با توضیحی که خانم مقدسی دادند توانستیم غرض خود را بیان کنیم. در هر صورت حد متوسطی از مرتبه های مشترک برای طراحی مدخل ها وجود دارد و خانم مقدسی نیز برای دور شدن از تشتت و رسیدن به اجماع، این بحث را مطرح کردند.

میرهای: ما شانس بزرگی در «شورای کتاب کودک» داریم. از ابتدا بزرگان رشته کتابداری، راهنمای ما بودند و هنوز هم راهنما و دلگرمی و پشتیبان کار ما هستند. ما به کاری که در زمینه دایرة المعارف و در حوزه کتابداری شده، بسیار ارج می نهیم. فهرست مستند مشاهیر و سرعنوان های موضوعی برای ما مرجع هستند. در انتخاب مدخل ها هنگامی که دچار سردرگمی می شویم و از جهات مختلف در تنگنا قرار می گیریم، برای مدخل های خارجی، بریتانیکا و برای مدخل های فارسی، دایرة المعارف فارسی را حکم قرار می دهیم و معمولاً می گوئیم هرچه مصاحب و یا هرچه بریتانیکا بگوید. حتی در زمینه هایی مانند اعدادی که باید در مورد عدد اتمی و عناصر شیمیایی بیاید، در اختلاف بین مداخل و منابع به خصوص بریتانیکا حکم است و به این طریق از چهار سندی که در دست داریم استفاده می کنیم.

قاسملو: بسیار خوب است که منبع اصیل مورد توجه قرار گیرد، زیرا مرحوم مصاحب چون ریاضی دان بودند با ذهن دقیق ریاضی، آن زمان که هیچ کسی در زبان فارسی چیزی در مورد مدخل گزینی نمی دانست، توانست این کار را شکل دهد. بر این اساس خوشبختانه در زبان فارسی حداقل بسیار مناسبی گذاشته شده است، اما در عین حال با تشتت روبه رو هستیم. این تشتت چه حالا خود را نشان دهد و چه در موردی که خانم مقدسی و یا من مثال زدم عاقبت خود را نشان می دهد. مثلاً تکلیفمان با مقوله ابوریحان بیرونی چیست؟ واقعاً چگونه باید آن را مدخل کرد؟ آیا روزی می توان به این نتیجه رسید که باید مخصوصاً مدخل مان ابوریحان بیرونی باشد. از طرف دیگر وقتی که با یک دانشنامه تخصصی روبه رو می شویم، اصحاب آن دانشنامه آن قدر به دانشنامه دقت داشته اند که پیشاپیش بتوانند این مشکلات را برای خودشان



مقدسی:

«پروین اعتصامی» در دانشنامه جهان اسلام، دایرة المعارف زن ایرانی، به همین صورت مدخل شده، اما در فرهنگنامه کودکان و نوجوانان «اعتصامی، پروین» مدخل شده است. در فهرست مستند و مشاهیر که می تواند مبنایی برای مدخل های ما باشد و کار و زحمت زیادی برای آن کشیده شده است، «اعتصامی، پروین» مدخل شده است.



قاسملو:

اگر ما بتوانیم به این توافق برسیم که باید به شکل «ابوالوفای بوزجانی» مدخل شود، آیا یک قدم به جلو برداشته‌ایم یا نه؟

طراحی کنند و برای رفع آن قدم بردارند. خانم میرهادی به نکته بسیار مهم کسب تجربه اشاره کردند که اصولاً در دانشنامه نویسی نمی‌توان به تجارب دیگران و خصوصاً سنت تجربی آن زبان بی‌اعتنا بود و خوشبختانه به مدد زحمات مرحوم مصاحب در زبان فارسی، سنت خوبی به وسیله دایرةالمعارف فارسی گذاشته شد. اما هنگامی که به سراغ دانشنامه‌های تخصصی امروزی می‌رویم، به نظر می‌رسد این سایه رفته رفته در حال رنگ باختن است.

افشار: آرمانی که شما به دنبال آن هستید یعنی اینکه نوساناتی که به آن اشاره شد، وجود نداشته باشد، من قول برطرف شدن این مشکلات را نمی‌دهم. نه در زبان ما برطرف می‌شود و نه در زبان انگلیسی که ۴۰۰ سال سابقه دایرةالمعارف نویسی دارد. آنچه که شما تشنت تلقی می‌کنید، آنجا هم هست؛ در مدخل‌گزینی و حتی در منابع کتاب‌شناختی که در دوره‌های مختلف تهیه شده است. نام اشهر افراد به خصوص شرقی‌هایی که زیاد نمی‌شناسند، به صورت‌های گوناگون ضبط شده است این مسأله هیچ‌گاه پایان‌پذیر نیست. در مورد ترجیح بین ابوریحان بیرونی یا بیرونی، ابوریحان. فهرست مستند مشاهیر می‌تواند یک ملاک باشد، اما نمی‌توانیم بگوییم که همه انتخاب‌های او هم همواره صحیح است. من سالیان سال با مستند مشاهیر کار کرده‌ام و به جرأت می‌توانم مواردی را مثال بزنم که انتخاب، انتخاب اشهر نبوده است. بنابراین دعوا هیچ‌گاه پایان‌پذیر نیست، اما اگر روش‌شناسی واحدی داشته باشیم میزان این تشنت کاهش می‌یابد، مثلاً اگر به لغت‌نامه دهخدا توجه کنیم در مقایسه با سایر دانشنامه‌های جدید، مستندتر است. اگر بخواهیم مسأله را کنترل کنیم و بخواهیم مکانیزم‌هایی برای به کنترل درآوردن تشنت داشته باشیم، سرعنوان‌های موضوعی، مستند مشاهیر و دایرةالمعارف مصاحب از این جمله‌اند. در مدخل‌گزینی از اصطلاح‌نامه‌های موضوعی نیز برای رفع تشنت می‌توان استفاده کرد. تزاروس‌ها خدمت بزرگی برای تعریف دانش در یک حوزه می‌کنند و نه تنها رابطه سلسله مراتب بین مفاهیم را ترسیم می‌کنند، بلکه مدل‌های درختی، نیز از دانش این رشته ارائه می‌کنند. مدل‌های درختی، در صورتی که ما بپذیریم با رویکردی قیاسی، مداخل دایرةالمعارف را تنظیم می‌کنیم، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین بر روی یک درخت و از نقاط مختلف آن مفاهیم و کلمات مختلف نوشته شده است و می‌توان از این کلمات استفاده کرد. به عنوان نمونه، اگر قرار است ۵۰۰ مدخل داشته باشیم، ممکن است در ساختار درختی تزاروس ۵۰۰۰ مدخل باشد، ولی می‌توان ۵۰۰ مدخل را از نقاط مختلف انتخاب کرد تا فراگیری داشته باشد و در نمایه‌سازی هم کاربرد داشته باشد. در هنگام تهیه و تدوین دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی متوجه شدیم که تعداد زیادی مدخل‌های پیشنهاد شده است که جزو مدخل‌های دایرةالمعارفی نیستند و در باب اینها چیزی به عنوان مطلب دایرةالمعارفی نمی‌توان نوشت، بلکه مدخل‌های فرهنگ و اصطلاحات هستند و خطی انتخاب شده‌اند. ما همیشه آرزو می‌کردیم که ای‌کاش این مدخل‌ها را با

رویکردی درختی انتخاب کرده بودیم. اما از آنجا که این مداخل خطی انتخاب شده بودند ما مجبور شدیم بخشی از این مداخل را حذف و یا در هم ادغام کنیم، مثلاً چند صد مدخل برای هنر خوشنویسی و هنرهای بومی وجود داشت که درباره برخی از آنها اصلاً امکان تهیه مطلبی نبود؛ در حالی که اگر ایزاری داشتیم که دانش کتابداری و اطلاع‌رسانی را در قالب ساختار درختی ارائه می‌کرد، می‌توانستیم بگوییم که چهار واژه موجود در این حرفه، اجزای یک مفهوم بزرگ‌تر هستند، و می‌توانستیم مفهوم بزرگ‌تر را مدخل قرار می‌دادیم، و به این صورت در مداخل‌ها سامان منطقی برقرار می‌کردیم. علاوه بر منابعی که خانم میرهادی اشاره کردند تزاروس‌ها به خصوص برای دایرةالمعارف‌های موضوعی می‌تواند، راهنما باشد و از تشتت جلوگیری کند. دو دایرةالمعارف به زبان انگلیسی در مورد کتابداری وجود دارد که یکی آن دایرةالمعارفی است که ادامه دارد و دیگری چهار جلدی است. در این دایرةالمعارف چهار جلدی مداخلی آمده که در دایرةالمعارف قبلی ذکر نشده است و توازن در آن وجود ندارد، مثلاً اگر کتابخانه ملی بوتسوانا آمده، کتابخانه ملی کنگو هم آمده باشد. در مورد چیزهایی که اطلاع داشته‌اند، مطلب نوشته‌اند و منتشر کرده‌اند. از این ناتوانی‌ها بسیار زیاد است. سخت نمی‌گیرند، ولی هرچه مقاله برایشان می‌رسد به صورت Online ارائه می‌کنند. معتقد نیستند که حتماً مداخل‌شان باید کامل باشد. به قول شما اگر آذربایجان شرقی آمده، حتماً باید آذربایجان غربی بیاید. هرچند ما این کار را انجام داده‌ایم، در دایرةالمعارف کتابداری، اسم همه استان‌ها هست و کار اشتباهی که کردیم حتی نام همه کشورها را نیز آورده‌ایم در صورتی که ضرورتی نداشته است. در حالی که می‌توانستیم کشورهایی را که از لحاظ فرهنگی، مجاورت و اهمیت برجستگی دارند، ذکر کنیم و بقیه را به صورت گروهی درج کنیم. اگر یک ساختار درختی داشتیم، می‌توانستیم تعداد مداخل را کمتر کنیم و در مقابل به نحو بهتری از انسجام‌شان دفاع کنیم.



اجتهادی:

هنگامی که کلمه اعتصامی را به کار می‌بردم متوجه می‌شدم که ذهن عده‌ای به سمت پروین اعتصامی و ذهن عده‌ای به سمت پدر پروین اعتصامی جلب می‌شد و حساسیت نشان می‌داد. تراکم سوم، تراکم است. مثلاً اغلب بقیه‌ها با کلمه «بقعه» شروع می‌شود. به دلیل این که تراکم ایجاد شود اجباراً این تراکم را شکستیم و نوشتیم «بی بی خاتون، بقعه».

در نتیجه سه معیار شهر بودن، ذهن مخاطب و تراکم را در نظر گرفتیم. این، ایده ما در دایرةالمعارف زن ایرانی برای مداخل‌گزینی بود.

اجتهادی: باید عرض کنم به عنوان نمونه در مورد مداخل پروین اعتصامی، سه ملاک و معیار در نظر بوده است. ملاک اول این بود که شهر باشد و ذهن مخاطب با آن آشنا باشد. معمولاً این شاعر را به عنوان پروین اعتصامی می‌شناسند و این شهر بودن اهمیت دارد. ملاک دوم اینکه جهت‌گیری ذهن مخاطب چگونه است. من با دانشجویان سر و کار دارم و این مسئله را سنجیده‌ام. هنگامی که کلمه اعتصامی را به کار می‌بردم متوجه می‌شدم که ذهن عده‌ای به سمت پروین اعتصامی و ذهن عده‌ای به سمت پدر پروین اعتصامی جلب می‌شد و حساسیت نشان می‌داد. ملاک سوم، تراکم است. مثلاً اغلب بقیه‌ها با کلمه «بقعه» شروع می‌شود. به دلیل این که تراکم ایجاد شود اجباراً این تراکم را شکستیم و نوشتیم «بی بی خاتون، بقعه».

در نتیجه سه معیار شهر بودن، ذهن مخاطب و تراکم را در نظر گرفتیم. این، ایده ما در دایرةالمعارف زن ایرانی برای مداخل‌گزینی بود.

قاسملو: اگر تشتت در مداخل کتاب‌شناسی و کتابداری وجود دارد، در این صورت بهتر نبود سرمایه برای انتشار دایرةالمعارف کتابداری به سمت تزاروس کتابداری به کار می‌رفت؟

افشار: تزاروس کتابداری هم تهیه شده است ولی به اتمام نرسیده است. تزاروس فرهنگی اصفا، شامل مداخل‌های کتابداری هم هست. اگر می‌خواستیم منضبط باشیم باید مدتی را صرف می‌کردیم تا مثلاً آن درخت را بسازیم.

قاسملو: یعنی شما سعی نکرده‌اید کمی هم منضبط باشید؟

افشار: من در انتشار این دایرةالمعارف نقشی نداشتم. کسانی که این کار را انجام داده‌اند، صاحب‌نظرانی مانند آقای دکتر حرّی، خانم دکتر نشاط و آقای رجیبی بودند. این افراد یک سری مداخل انتخاب کرده‌اند. تعداد مداخل‌ها زیاد بود. لذا ضوابطی نیز در انتخاب مداخل‌ها در نظر گرفتند. از اصطلاح نامه و سایر منابع مداخل‌ها را انتخاب کرده و برای هر مداخل مقاله‌ای تهیه کردند. این شیوه استقرایی است که مزیت‌هایی نیز دارد. فکر نکنید که شیوه درختی فاقد نقص و عیب است. شیوه درختی هم مانند سایر روش‌ها می‌تواند برخی از چیزها را در نظر نگیرد. اگر بخواهید کار را به صورت بسته و منضبط انجام دهید، شیوه درختی مناسب‌تر است. البته در جلد بعدی تعداد مداخل‌ها را کاهش دادیم، یعنی تعدادی را حذف و

یا درهم ادغام کردیم. حتی اگر بخواهید تزاروس تهیه کنید می‌توانید شیوه‌استقرایی و یا قیاسی را به کار بندید. تزاروس پیش روی شما هم‌آیه نازل شده نیست. با هر کدام از این رویکردها که تهیه شده باشد، آن معایب و مزایا را به دنبال دارد. با شیوه درختی هم که تهیه می‌کنید، مسایل و مشکلاتی دارد. آنچه که من گفتم یک فرضیه است. من ندیدم و نشنیدم که کسی از ساختار درختی استفاده کرده باشد و هنوز آزمایش نشده است. اینکه بگویم که مدخل‌های یک دایرةالمعارف باید جامعیت داشته باشد، امکان پذیر نیست. حتی به خاطر دارم هنگامی که یک صفحه برای معرفی جلد اول فرهنگنامه کودکان و نوجوان می‌نوشتیم و مدخل‌های آن را با دایرةالمعارف بزرگ اسلامی مقایسه می‌کردم، متوجه شدم که مدخل اسلامی که فرهنگنامه دارد، دایرةالمعارف شما ندارد؛ با آن همه مراقبت‌هایی که اعمال کرده‌اید. این مسأله در مورد دایرةالمعارف‌های بزرگ دنیا نیز وجود دارد و این نقیصه‌ها دیده می‌شود. موضوع سطح دانش موجود در جامعه نیز مهم است. هنگامی که من می‌خواهم دایرةالمعارف کتابداری تهیه کنم، باید به عده‌ای مراجعه کنم و از آنها بخواهم که مقاله بنویسند. آقای بجنوردی برای ما تعریف می‌کردند که به «لیدن» رفتیم و از آنها خواستیم که دفتر دایرةالمعارفشان را به من نشان دهند. فردی پشت میز نشسته بود و دو لیست داشت. یکی لیست مدخل و دیگری لیست افرادی که باید مداخل را بنویسند. این فرد می‌گفت من این دو لیست را با هم مقایسه می‌کنم و مدخل را برای فرد مورد نظر می‌فرستم. او آن مدخل را تهیه کرده و برای من می‌فرستد. چرا این کار صورت می‌گیرد؟ برای اینکه سطح دانش در آن کشور بالاست. افرادی که بتوانند بنویسند تعدادشان زیاد است. در حالی که در یک جامعه ممکن است سطح دانش بالا نباشد و شما مجبورید از افراد محدودی خواهش کنید که این کار را انجام دهند و دائماً با آنها در تماس باشید تا این کار حتماً انجام شود. از خانم میرهادی سؤال می‌کنم، شما چند نویسنده حرفه‌ای دارید؟ چند نفر سراغ دارید تا برای شما مقاله بنویسند؟ این مسایل به سطح دانش جامعه بر می‌گردد. عده‌ای مشغول مدخل نویسی هستند که بویی از دانشنامه نویسی نبرده‌اند. اکثر آنها قصه می‌نویسند. اما در غرب هزاران متخصص در هر زمینه وجود دارد که ده‌ها مقاله در هر زمینه می‌تواند، تولید کند. نویسندگان دایرةالمعارف اطلاع‌رسانی و کتابداری چه کسانی هستند؟ چه سطحی از تجربه دارند؟ کجا درس خوانده‌اند؟ چه کتاب‌هایی مطالعه کرده‌اند؟ همین اندازه فعالیت آنها هم با توجه به سطح علمی‌شان جای سپاس‌گزاری دارد.

افشار:

تزاروس پیش روی شما هم
آیه نازل شده نیست. با هر
کدام از این رویکردها که
تهیه شده باشد، آن معایب و
مزایا را به دنبال دارد. با شیوه
درختی هم که تهیه می‌کنید،
مسایل و مشکلاتی دارد.

بالاخره ساختاری بیرون می‌آید مانند ساختارهایی که عرض کردم، از جمله ساختار مصاحب و یا ساختارهایی که دایرةالمعارف‌های اسلامی و فرهنگنامه داشته است، این خودش پیشرفت است. یعنی داشتن ساختار، رسیدن به نوعی پیشرفت است. ساختار منطقی است. اتفاقاً در دایرةالمعارف دگر پنجاه و چند جلدی مدخل‌هایی وجود دارد که به لعنت حق نمی‌ارزد، زیرا هیچ نوع ساختاری ندارد. فرد قلم را به دست گرفته و بدون هیچ گونه محدودیتی نوشته است.

قاسملو: از فرمایشات شما می‌توان نتیجه گرفت که شما بین جلد اول و دوم اینقدر تغییر رویه داده‌اید؟

افشار: خیر. ما تغییر رویه نداده‌ایم، بلکه تعداد مدخل‌ها را کم و درهم ادغام کرده‌ایم.

قاسملو: این حداقل‌ها آیا باعث می‌شود که کاری که به دست خواننده می‌رسد آن قدر نازل شود، که از حد دایرةالمعارف خارج باشد؟!

افشار: سعی می‌کنیم که نباشد.

قاسملو: پس چرا جای مدخل «الغ بیگ» اشتباه چاپ شده است. ما هر چقدر که مؤلف نداشته و مشکل داشته باشیم و یا استادان و صاحب نظران با شما همکاری نکنند، ولی این مسایل دلیل نمی‌شود پس بدیهی‌ترین اصول دایرةالمعارف نویسی را مورد توجه قرار ندهید.

افشار: ممکن است جای مدخل اشتباه چاپ شده باشد.

قاسملو: آیا جامعه می‌تواند بپذیرد که دایرةالمعارف اشتباه داشته باشد؟

افشار: مصاحب برخی صفحات دانشنامه را با دست می‌نوشت.

قاسملو: در چه زمانی این کارها را انجام می‌داد؟

افشار: سال ۱۳۴۵.

قاسملو: یعنی ما نباید در این مدت پیشرفتی داشته باشیم؟
افشار: فکرمی کنید اگر قرار بود ۵۰ سال پیش چنین دایرة المعارفی در مورد کتابداری منتشر شود، این گونه بود؟

قاسملو: نه، من منکر زحمات شما نیستم. من معتقدم که نباید به حداقل سطح توقعات قانع بود.
افشار: من می گویم که کمال پرست نباشید، کامل جو نباشید، جاه طلب نباشید.
قاسملو: اگر جاه طلب نباشیم و سطح توقعات را پایین بیاوریم، اثر نازل تری منتشر خواهد شد.
افشار: من و همکارانم تمام تلاش خود را انجام می دهیم تا کاری درست عرضه کنیم. علی رغم همه تلاش ها، به مواردی که شما عرض کردید مانند اینکه مدخل «الغ بیگ» سر جایش نیامده است. ما در حد بضاعت علمی نویسندگان و در چارچوب وقت و امکاناتی که داریم، تلاش می کنیم. بر شماست که موارد خطا و اشتباه را تذکر دهید تا در دفعات بعد مرتکب این اشتباهات نشویم. باید بگویم ۱۰۰ درصد را می خواهیم درست کنیم که ۵۰ درصد درست شود، آن هم در جاهایی مانند دایرة المعارف کتابداری و اطلاع رسانی. مگر چه کسانی آن را تألیف کرده اند؟ خود من چند سال سابقه کار دایرة المعارفی دارم، اما چاره ای نیست. این کار باید انجام شود. تلاش وسیعی مان را می کنیم تا اصول و مبانی را رعایت کنیم.

دایرة المعارف باید در زمان مقرر با هزینه محاسبه شده، توسط نویسندگان و امکانات همین کشور منتشر و موازینی در آن رعایت شود. مقاله هایی برای ما ارسال شده که قصه است و هیچ نوع ساختاری در آن مشاهده نمی شود که به عنوان خواننده هیچ مطلبی دستگیر نمی شود و آن را برمی گردانم. من ترجیح می دهم که یک مدخل را اصلاً نداشته باشیم تا اینکه مدخلی داشته باشیم که مفید نباشد.
عماد خراسانی: من احساس کردم که بحث از مسیر تعیین شده خارج شده است. بحث ما، بحث تزاروس نویسی نیست. اگر بخواهیم در مورد آن بحث کنیم آن گاه باید جلسه دیگری را به این امر اختصاص داد، زیرا کار متفاوتی نسبت به دایرة المعارف نویسی است.

با بخشی از فرمایشات دکتر افشار موافق نیستم. من به صورت مستمر در فرهنگنامه کودکان و نوجوانان در امر مدخل گزینی و کنترل مدخل ها فعال هستم و در بخشی از دایرة المعارف کتابداری هم فعال بوده ام. پس تصور من در مورد فرمایش دکتر افشار در مورد استفاده از تزاروس این است که مستند کردن مدخل ها را چنانچه که در فرهنگنامه کودکان و نوجوانان مطرح کردیم از سر عنوان های موضوعی و فهرست مستند مشاهیر، - حتی بین خودمان هم متداول بود که از کتاب دعا خودمان استفاده کنیم - به دلیل ساختار ویژه ای بهر مند شویم، به برای مثال مثلاً هنگامی که می خواهیم در مورد دامپروری مطلب بنویسیم، آن ویژه ای را انتخاب می کنیم که سر عنوان موضوعی به ما توصیه کرده است. بر این اساس دامپروری را انتخاب می کنیم. اما سلیقه های سیاست گذاران و تصمیم گیرندگان فرهنگنامه حایز اهمیت است.

ما مدخل حمام داریم، آنچه در آثار تاریخی هم مطرح می شود حمام است، ولی در سر عنوان موضوعی واژه «گرما به» استفاده می شود. ما این سر عنوان را رعایت نمی کنیم، زیرا مخاطبان ما خوانندگان کتاب های درسی و کتاب هایی هستند که در حوزه کودکان و نوجوانان می باشد، مدخل حمام را انتخاب می کنیم. بحثی در منابع مرجع به نام ارجاعات داریم که به راحتی از ارجاعات در جایگاه خودش استفاده می کنیم.

سرانجام در مورد اینکه ابوریحان بیرونی یا بیرونی، ابوریحان را باید به چه صورتی به کار برد می گویم، چه فرقی می کند. ما چرا باید عادت کنیم که تمام مدت به مسایل ظاهری توجه داشته باشیم باید به جامعیت مدخلی که در باب ابوریحان بیرونی نوشته شده، توجه کنیم.

جناب آقای اجتهادی فرمودند که پروین اعتصامی اسم اشهر است. من کتابدار و معلم هستم و می گویم که اسم اشهر نیست، اما ما دعوا نداریم. ما می نویسیم اعتصامی، پروین و ایشان می نویسند پروین اعتصامی، قطعاً در قسمت الف باید بنویسند اعتصامی، پروین تا به پروین اعتصامی ارجاع داده شود. این مسأله به سلیقه ها برمی گردد. اما اگر جامعیت مطلب نباشد در همین دایرة المعارف زن ایرانی نیز اشاره شده است، خانم پروین اعتصامی قراردادی با دانشسرای عالی آن زمان داشته است، ولی عنوان نشده

افشار:

ما در حد بضاعت علمی
نویسندگان و در چارچوب
وقت و امکاناتی که داریم،
تلاش می کنیم. بر شماست
که موارد خطا و اشتباه را
تذکر دهید تا در دفعات بعد
مرتکب این اشتباهات
نشویم.



عماد خراسانی:

در مقاله‌ای در مورد کتابخانه آرژانتین می‌خواندم که با چه آب و تابی راجع به رئیس این کتابخانه که یک اثر ادبی از وی چاپ شده است، تعریف می‌کردند که در واقع جامعه ادبی آرژانتین او را افتخار خود حساب می‌کردند. ولی ما به راحتی گفتیم که پروین اعتصامی، کارمند کتابخانه بوده است. کارمند کتابخانه در ساختار اداری کنونی برای خواننده امروزی معنای دیگری به جز کتابداری دارد.

است که به عنوان کتابدار کار می‌کرده است. عین این قرارداد در سازمان اسناد ملی هنوز موجود است و محل خدمت وی کتابدار دانشسرای عالی بوده است. اما با این اطلاعات کم این سؤال ایجاد می‌شود که آیا او به عنوان مستخدم یا آبدارچی آنجا می‌رفته است؟ آیا نباید می‌نوشت خانم پروین اعتصامی، کتابدار دانشسرای عالی. این‌ها سوابق فرهنگی و تاریخی ماست و ظرافت‌هایی است که باید در دایرة المعارف امروزی بدان توجه شود. در مقاله‌ای در مورد کتابخانه آرژانتین می‌خواندم که با چه آب و تابی راجع به رئیس این کتابخانه که یک اثر ادبی از وی چاپ شده است، تعریف می‌کردند که در واقع جامعه ادبی آرژانتین او را افتخار خود حساب می‌کردند. ولی ما به راحتی گفتیم که پروین اعتصامی، کارمند کتابخانه بوده است. کارمند کتابخانه در ساختار اداری کنونی برای خواننده امروزی معنای دیگری به جز کتابداری دارد. این مسئله به سلیقه برمی‌گردد، ولی جامعیت مطلب به چیز دیگری بازمی‌گردد که من به آن می‌پردازم. در یکی از دایرة المعارف‌ها «خواجه ربیع» به عنوان یک شخصیت برجسته اسلامی معرفی شده است و نوشته‌اند که حضرت ثامن الحجج امام رضا (ع) به زیارت قبر ایشان می‌رفته است. امام هشتم خود یک شخصیت علمی و سیاسی عصر خود و از معصومین بوده است در حالی که خواجه ربیع دارای نخوت خاصی است که به هیچ وجه مورد تأیید امام رضا (ع) نبوده است. زمانی که من این مطلب را در دایرة المعارف خواندم نسبت به این فرد ذهنیت مثبتی پیدا کردم، زیرا به افرادی که این دایرة المعارف را تألیف کرده بودند، اعتماد داشتم. اما زمانی که سریال «ولایت عشق» از تلویزیون پخش شد و در آن به صورت موجز به مسأله نخوت خواجه ربیع اشاره شد، من حقیقت را دریافتم. هم‌چنین در استان خراسان از قول چندین نفر شنیدم که آرامگاه خواجه ربیع، مکان مذهبی نیست و اکثر مردم او را به عنوان فرد برجسته اسلامی نمی‌شناسند. اینجا مسأله جامعیت و صحت مطرح است. «دیدرو» سخن جالبی در مورد دایرة المعارف دارد. او می‌گوید: «دایرة المعارف نویسان کسانی هستند که آنچه را که در گذشته در مورد آن کار شده و آنچه در زمان حال است، در بستر مناسبی قرار می‌دهند و تلاش شان این است که آیندگان از آن استفاده کنند و معلومات شان بیشتر شود.» پس اگر تألیف دانشنامه، ترویج علم و فرهنگ دانش است، باید بیشتر به جامعیت فرهنگ و صحت و درستی آن پرداخت. حرف جناب عالی کاملاً متین است، من به عنوان کتابداری که به نقطه و دو نقطه و غیره بسیار وابسته‌ام، قبول دارم. اما ما این قدر مشکل در زمینه مطالب و مقاله داریم که به نظر من باید به متن مقالات پرداخت.

من اشاره‌ای به دایرة المعارف زن ایرانی می‌کنم، زیرا نسبت به آن حساسیت خاصی دارم، این دانشنامه کاری در خور تحسین است و من به عنوان یک زن مسلمان و ایرانی می‌گویم: این دانشنامه،

دارای اهمیت زیادی است. اما متأسفانه باید بگوییم که مطالب این دانشنامه کپی از سایر دانشنامه هاست، یعنی اصلاً بحث پژوهش در آن معنی و مفهوم ندارد.

مدخلی به نام «دبیرستان آذرم تهران» در دانشنامه زن ایرانی وجود دارد. من از آن دبیرستان در سال ۱۳۴۵ دیپلم گرفته‌ام، ولی در مدخل این دانشنامه در مورد دبیرستان آذرم آمده است که تا زمانی که خانم شمس، مدیر آنجا بود این مدرسه دایر بوده است، اطلاعاتی موجود است و دیگر هیچ گونه اطلاعی در مورد آن مدرسه در دست نیست. مآخذ آن هم بسیار گذشته تر است. من فقط به این دلیل نمونه‌ها را عرض کردم که اینقدر صحت و جامعیت مقالات مهم است تا مجموعه افرادی که آن اطلاعات، لازم دارند به آن دسترسی پیدا کنند، مسایلی چون بیرونی، ابوریحان - ابوریحان بیرونی مهم نیست.

در مورد اینکه دکتر افشار فرمودند نباید کمال جو بود، من به عنوان مسلمان معتقدم که کمال جویی جزو واجبات است و در قرآن بحث «الی الله تصیر الامور» آمده است. یعنی باید به سمت تحول و شدن حرکت کرد. یعنی باید به کمال رسید.

قاسم‌لو: شما به مسأله ارجاع اشاره کردید، پس به جای بحث‌های ظاهری به عمق پردازیم. اما من می‌خواهم بگویم که ما می‌توانیم الگویی از نظم در راس القا کنیم که آیا ما اول در مدخل گزینی، نظام مند شویم و بعد به ساختار نظام مند مقالات برسیم. اگر قرار است از بحث مدخل بگذریم، نظام ارجاعات را نیز بحث کنیم. اکنون که در خدمت اعضای دایرة المعارف کتابداری هستیم، اجازه بدهید که از بحث مدخل بگذریم و به بحث ارجاع پردازیم.

مقدس: یکی از معضلات، بحث مدخل هاست که در یکی از دایرة المعارف‌ها آمده است. در این دایرة المعارف نام ا شهر شخصی به دو صورت کاملاً متفاوت درج و در دو مدخل نوشته شده است. هنگامی که چاپ شد متوجه شدند که این مدخل یکی هستند. چنانچه ذیل مدخل متفاوت بوده است که خود ویراستار متوجه نشده که این دو مدخل یکی هستند. به هر حال بحث مهمی است که بدانیم کجای این اسم را بیاوریم و این اسم به چند شکل دیگر درج می‌شود. نظام ارجاعات در این امر بسیار یاری دهنده است. هنگامی که پروین اعتصامی را زیر پروین می‌بریم، کسی که با اعتصامی به دنبال این مدخل می‌گردد، متوجه شود که ما آن را در پروین اعتصامی توضیح داده‌ایم. اما بعضاً عنوان‌هایی برای مدخل انتخاب می‌شود که عنوان مدخل دایرة المعارفی نیستند. از جمله در دایرة المعارف زن ایرانی با عناوینی بسیار مواجه شده‌ایم که احتمالاً اگر مدخل‌ها به صورت خوشه‌ای و یا درختی بیان می‌کردند، در زیر یک مدخل کلی قرار می‌گرفت. مثلاً ۲۹ مدخل با زن شروع می‌شود. زن در اساطیر، زن در اسلام، زن در دوره هخامنشی، زن در آثار حجاری دوره هخامنشی که می‌توانستیم آن را در مدخل زن در دوره هخامنشی قرار داد. یا مدخلی با عنوان «زن، لوازم، حسن و تجلی آن در عرفان»، من نمی‌دانم که چگونه ممکن است چنین چیزی به ذهن مراجعه‌کننده برسد و به دنبال آن بگردد، و متأسفانه ارجاعاتی که ارجاعات دور هستند و یا اصلاً وجود ندارند. ارجاع داده شده‌اند و به هر دلیلی از قلم می‌افتند. البته من زحماتی را که در تدوین دایرة المعارف زن ایرانی کشیده شده، نادیده نمی‌گیرم. شخص من در تدوین پنج دایرة المعارف همکاری مستمر داشته‌ام و هنوز هم به صورت مؤلف همکاری دارم، اما این مواردی است که هنگامی که منتشر می‌شود، ضعف دایرة المعارف را نشان می‌دهد و دایرة المعارف را نقدپذیر می‌کند و حسن آن را زیر سؤال می‌برد. مثلاً «ذخ» به دختر ارجاع داده شده است، ولی دختر وجود ندارد. «ام سلمه» به فاطمه کاشانی ارجاع داده شده است، ولی فاطمه کاشانی وجود ندارد. النساء، سوره که اشتهاها در ذیل الف قرار گرفته و «ال» آن در نظر گرفته شده است، ارجاع داده شده به سوره النساء که البته سوره النساء وجود ندارد.

بحث ارجاعات و انتخاب صورت مدخل بحث بسیار مهمی است. انتخاب ا شهر باعث نشود که ما یک مدخل را دوبار در دایرة المعارف بیاوریم و هنگامی که منتشر می‌شود منتقدان آن را به ما تذکر دهند. از آنجایی که به دایرة المعارف زن ایرانی اشاره کردم، مدخل گزینی با توجه به مخاطب آن متفاوت است.

اجتهادی: نکات مورد اشاره شما و انتقادات کاملاً درست است. ما روی سیستم ارجاعات کار کردیم و تصمیم داشتیم طبق شیوه‌نامه تدوینی اجرا شود. منتهی ما یک قرارداد سه ساله با «مرکز مشارکت زنان»

عماد خراسانی:

اگر تألیف دانشنامه، ترویج علم و فرهنگ دانش است، باید بیشتر به جامعیت فرهنگ و صحت و درستی آن پرداخت.

من به عنوان مسلمان

معتقدم که کمال جویی جزو واجبات است و در قرآن بحث «الی الله تصیر الامور» آمده است. یعنی باید به سمت تحول و شدن حرکت کرد. یعنی باید به کمال رسید.

داشتیم. مرکز مشارکت زنان ریاست جمهوری با طرح کار موافقت کرده بود و تا آبان ۱۳۸۱ پنج ماه قبل از پایان قرارداد حدود ۱۳۰ مقاله را با همان سیستم ارجاعات تنظیم کرده بودیم، ولی از آبان به بعد حکم کردند تا اسفند ماه این طرح تمام شود و یک دایرة المعارف ۳۰۰۰ مدخلی باید بیرون بیاید. هنگامی که این حکم تعیین شد، ما به نویسندگان زیادی احتیاج داشتیم که البته حقوق آنها نیز پرداخت نمی شد، مجبور شدیم که از آبان، تا پایان آذرماه ۱۳۰ مدخل را تهیه کنیم. در واقع نوشته‌های نویسندگان مدخل را جمع و جور کردیم. حتی در مقالاتمان تحقیق هم می کردیم همان گونه که عرض کردم من خودم هم این کار را انجام دادم و تا آخر آذرماه ۱۰۰۰ مقاله را به آنها تحویل دادیم و از آخر آذرماه تا آخر اسفند ماه هم ۲۰۰۰ مقاله دیگر تحویل داده شد. یعنی ۳۰۰۰ صفحه در عرض پنج ماه از ما دریافت شد و به ما گفتند که اگر آنها را تحویل ندهیم مشکل پیش می آید. ما شیوه نامه خود را کنار گذاشتیم و مدخل نامه خود را رعایت نکردیم. متأسفانه مرکز مشارکت زنان ریاست جمهوری از اهرم های سیاسی استفاده کرد و جلوی ابتکار ما را گرفت. تا ۱۲ آذرماه ۱۳۸۱، یعنی دو سال و هفت ماه کارها را تأیید کردند؛ ما با سازمان بزرگی مانند دانشنامه جهان اسلام و مانند آن در تماس بودیم و به آنها گزارش کار می دادیم، ولی در مرکز مشارکت زنان مشکلاتی پیش آمد که بر روی ما فشار آوردند تا کار را تحویل دهیم و ما به اجبار ۳۰۰۰ مدخل درست کردیم. من بسیار متأسفم که این کار اینگونه انجام شده و نام بنده در آن ذکر شده است. اتفاقاً من، هم شیوه نامه و هم مدخل نامه کار اولیه را همراه آورده ام که در دو سال اول بر این اساس کار می کردیم. مدخل نامه طراحی شده، هشت بار اصلاح شد، زیرا هدف آن نبود که مقالات را برای متخصصان بفرستیم. مدخل نامه را همراه با مقاله برای متخصص می فرستادیم و از آنها نظر خواهی می کردیم، مثلاً فهرستی از مداخل اساطیری تهیه کرده و برای خانم دکتر آموزگار می فرستادیم و ایشان اشکالات مدخل نامه را به ما گوشزد می کردند. بدین ترتیب مداخل هشت مرتبه ویرایش شد و دائماً در حال دگرگونی بود، ولی متأسفانه هنگامی که حکم آمد مجبور شدیم هر چه را که در کشکول داشتیم، عرضه کنیم تا درگیری سازمانی ایجاد نشود.

افشار: اولین ویرایش دایرة المعارف بر تانیکا ۲۵۰ سال پیش در سه جلد کوچک منتشر شد. ۲۵۰ سال سنت مداوم، دایرة المعارف بریتانیکای امروزی را شکل داده است. آیا می دانید این دایرة المعارف چندمین چاپش منتشر شده است؟ بر روی این دایرة المعارف ها ۲۰۰ سال بدون انقطاع و مستمر کار شده است. همه دایرة المعارف ها دارای نهاد و سازمان جامعه خود هستند. ویراستارانی دارند که دائماً روی آن کار می کنند. امروزه ما مصاحب را داریم که جلد اول آن در سال ۱۳۴۵ و جلد سومش در ۱۳۷۴ منتشر شده است که یک دایرة المعارف سه جلدی رومیزی است. برای این دایرة المعارف نهادی وجود ندارد که آن را بسط دهد. هر کس که شروع به کار می کند می خواهد کار را از ابتدا آغاز کند. هر که آمد عمارتی نوشت. وقتی که سنت صحیح ادامه پیدا نمی کند، آن گاه کار منقطع می شود و مصاحب می ماند و گروه های دیگر دوباره شروع به تألیف دایرة المعارف های عمومی می کنند.

آیا می دانید بریتانیکاتا به حال چند صاحب پیدا کرده است؟ از این طرف اقیانوس اطلس تا آن سمت ولی کارش را ادامه داده و سنت شکل گرفته است و بدین ترتیب چاپ جلد بعدی آن دایرة المعارف کارشاقی نیست. اما ما می خواهیم در قدم اول یک دایرة المعارف پنج جلدی برای زنان منتشر کنیم، آن هم در زمان دو یا سه سال. چاپ چنین دایرة المعارفی در این اندک زمان شاکار است. اینجاست که اوضاع و احوال حاکم بر جامعه چنین زبانی را ایجاد می کند. یا باید انتظاراتمان را پایین بیاوریم و یا امکانات و زمان را افزایش دهیم. الان اگر به آقای بجنوردی بگویند که تا دو سال دیگر دایرة المعارف باید منتشر شود، شما چه می کنید؟ می گویند دایرة المعارف کتابداری باید تا پایان سال ۱۳۸۳ تمام شده باشد. الان مقالاتی برای ما رسیده است که اگر شما آنها را بخوانید یا گریه می کنید و یا قاه قاه می خندید نخستین دایرة المعارف کتابداری در ۲۰۰۰ صفحه A4 ریز منتشر می شود. حجم آن متناسب با فعالیت ما نیست. جاه طلبی و کمال جویی می کنیم و یا هر اسم دیگری که می توان روی آن گذاشت. در حالی که دیگران دایرة المعارف در سه جلد یا صفحات کم منتشر می کنند، ۲۵ ویرایش طول می کشد تا چنین چیزی منتشر شود. دایرة المعارف کتابداری دگر که بیشتر از ۵۰ جلد و تعداد زیادی نویسنده دارد، اما امکانات و منابع کتابخانه ای،

افشار:

امروزه ما مصاحب را داریم که جلد اول آن در سال ۱۳۴۵ و جلد سومش در ۱۳۷۴ منتشر شده است که یک دایرة المعارف سه جلدی رومیزی است. برای این دایرة المعارف نهادی وجود ندارد که آن را بسط دهد. هر کس که شروع به کار می کند می خواهد کار را از ابتدا آغاز کند. هر که آمد عمارتی نوشت. وقتی که سنت صحیح ادامه پیدا نمی کند، آن گاه کار منقطع می شود و مصاحب می ماند و گروه های دیگر دوباره شروع به تألیف دایرة المعارف های عمومی می کنند.

دایرة المعارف بزرگ اسلامی چقدر سرمایه برای جمع‌آوری منابع دارد. با این حال هیچ ضرب الاجلی هم ندارد. پول سهم زیادی دارد و افراد زیادی را به کار می‌گیرد.

مقدسی: در مورد این بحث که پیش آمد، آیا ما ضرب الاجل داشته باشیم یا با شتاب زدگی کتابی را منتشر کنیم که به عقیده ما دچار مشکلات عدیده‌ای است و علل آن شتاب زدگی را در مقدمه ذکر کنیم تا نگاه منتقدان را نرم‌تر کند و یا به گفته آقای افشار این قدر در مورد زمان بی توجه باشیم که پروژه‌ای ۱۰۰۰ ساله باشد. حد واسطه‌ای را می‌توانیم تصور کنیم که کار خوب ارائه بدهیم، اما با یک برنامه‌ریزی صحیح به قول شما با امکانات و تعداد مؤلفانی که داریم، امروزه چیزی بیش از ۱۱۰ دایرة المعارف در حال انتشار است و کارهای موازی بسیاری نیز در حال انجام است که از هم اطلاع ندارند. عنوان‌های ما تکراری است، حال می‌خواهیم در مورد مقالات، مدخل و موارد پایه‌ای نرم افزارها صحبت کنیم.

اجتهادی: من در مورد این مسأله ضرب الاجل که مطرح کردید باید بگویم که قرارداد سه ساله بود. ما از ابتدا نسبت به مدت زمان اعتراض کردیم که مناسب و کافی نیست. به ما گفتند که کار را شروع کنید، امکان تمديد زمان وجود دارد. جلسه ۱۲ آبان که عرض کردم برای تمديد زمان کار جمع‌آوری اطلاعات دانشنامه تشکیل شده بود، زیرا طبق برنامه‌ریزی‌های خودمان تا پایان شهریور ۱۳۸۲ جلد اول را می‌توانستیم آماده کنیم. تا آن زمان به ما گفته بودند که امکان تمديد زمان است، اما در آن جلسه اعلام کردند که امکان تمديد وجود ندارد. ما به قدری عصبانی از جلسه خارج شدیم که هیچ یک از مقالات که ویرایش شده بود را در آن دایرة المعارف جای ندادیم و هر چه در کشکول بود، به آنها تحویل دادیم.

قاسم‌لو: آقای افشار به درستی گفتند که ما سنت مصاحب را داریم که بسیار هم خوب است. اما هنگامی که دایرة المعارف زن ایرانی را با آن مقایسه می‌کنم، می‌بینم که متأسفانه به اندازه سال‌های نوری، پسرفت داشته‌ایم.

با توجه به فرمایشات دکتر اجتهادی قرار بود که این دایرة المعارف چنین نوشته شود، چرا این بلاها سرش آمد و آیا اصولاً به تعبیر خانم مقدسی می‌توان در کار علمی لج و لجبازی کرد یا نمی‌شود؟ اما من آنچه را که می‌بینم دایرة المعارف دو جلدی زن ایرانی است که یا در کتابخانه‌ها قرار دارد یا عده‌ای آن را می‌خرند و با بحث‌های مابقی آن کاری ندارم.

اما برای اینکه بحث پراکنده نشود، در مورد ارجاعات صحبت می‌کردیم. خانم عماد خراسانی اشاره کردند که ارجاعات از دل مدخل‌گزینی ایجاد شده‌اند. این ارجاعات ما را به ارجاعات داخل متنی می‌کشاند. در مورد نظام ارجاعات در فرهنگنامه کودکان و نوجوانان چه پیش‌بینی‌هایی صورت گرفته است؟ نقش ارجاعات درون متنی را در یک دایرة المعارف چگونه می‌بیند؟

میرهادی: ما برای اینکه مدخل‌گزینی کنیم، نزدیک سه سال کار کردیم. در این زمینه برگه‌نویسی تمام کتاب‌های درسی، برگه‌نویسی مصاحب، برگه‌نویسی دانشنامه انگلیسی اسلام، برگه‌نویسی دایرة المعارف انگلیسی برای کودکان و نوجوانان که منابع پایه‌ای است در اختیار متخصصان رشته‌های مختلف و اساتید دانشگاه قرار داده شد تا آنها مدخل‌گزینی نهایی را انجام دهند. این کار بسیار اساسی و طولانی شد. در مورد ارجاعات باید این نکته را عرض کنم که ما کلاً مقالات را از نظر اهمیت به پنج دسته تقسیم کردیم که عبارت‌اند از: نخست مقالات مادر. در دل مقاله مادر، کلمات زیادی وجود دارد که می‌توانند مقالات مستقل جداگانه‌ای باشند، اما ما به آنها مدخل جداگانه نمی‌دهیم، بلکه آنها را به مقاله مادر ارجاع می‌دهیم، چرا که بچه‌ها این مطلب را در فضای مربوط به آن مطلب مطالعه می‌کنند. برای اینکه به راحتی بتوانند آن را پیدا کنند، این ارجاعات را در خود مقاله مادر با حروف درشت‌تر از متن می‌نویسم.

مقالات درجه یک. مقالات مادر را به مقالات ستاره‌دار می‌گوییم که گاه این مقالات ستاره‌دار از ستاره هم فراتر می‌روند. به خصوص وقتی که مثلاً با اقیانوس‌ها و یا قاره‌ها روبرو هستیم و به ناچار مجبوریم چند نقشه بگذاریم تا بچه‌ها بهتر مطلب را درک کنند. بنابراین به مقالات مادر بسیار اهمیت می‌دهیم. مقالاتی که درباره مسائل مختلف جامع هستند در بسیاری مواقع زمان بسیاری صرف می‌شد تا یک مقاله

میرهادی:

در فرهنگنامه کودک و

نوجوان روابط قراردادی

مطرح نیست و همه با عشق

و ایثار کار می‌کنند. آنجا

دانشگاهی است که همه

دانشجویان آن هستند، از

جمله خود من که دانشجوی

تمام وقت آنجا هستم و

بیشتر از همه اکتشاف این

سرزمین برایمان جالب

است.

تدوین شود. به عنوان نمونه، مقاله «انسان» کار ساده‌ای نبود. به همین دلیل گروه سرویراستاران خود مشغول تهیه این مقاله شد و در روند کار طرح مقاله را عوض کرد و در جلسه آخر نهایتاً ساختار و چیدمانی برای آن در نظر گرفت. انسان از دید زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و غیره. در لحظات آخر هنگامی که گروه ویراستاران مقاله را مطالعه کرد، تصمیم گرفت انسان از دید ادیان و فلسفه را در ابتدا قرار دهد، به دلیل اینکه در بسیاری موارد از جانب ایران به مقاله نگاه می‌کنیم و از جانب جهان. هنگامی که مقاله انسان را تدوین می‌کردیم، نگاه از ایران، فلسفه و منطقی که در این منطقه از دنیا با انسان سروکار دارد، به ما گفت که باید مقاله را این گونه چید، یعنی اول از دید فلسفی مقام انسان و از دید ادیان جایگاه انسان در نظام خلقت. به این نوع نگاه، نگاه از ایران گفته می‌شود. این نگاه سبب می‌شود که شما به طور مداوم روی هر مقاله وقت فوق‌العاده‌ای اعمال کنید تا دریابید که نگاه از ایران به شما چه می‌گوید. در نتیجه نوشتن این مقالات زمان می‌برد. خوشبختانه چون پول نداریم و روی نیروی داوطلب کار می‌کنیم، (سید نويسنده داوطلب، مسأله را دست‌کم نگیرید، این نویسندگان به ما ساعت کار هدیه می‌کنند.) دایرة المعارف عملاً از نظر مالی با اهداهای مردمی اداره می‌شود و همین باعث شده تا فرهنگنامه بتواند روی پای خودش بایستد. در فرهنگنامه کودک و نوجوانان، روابط قراردادی مطرح نیست و همه با عشق و ایثار کار می‌کنند. آنجا دانشگاهی است که همه دانشجویان آن هستند، از جمله خود من که دانشجوی تمام وقت آنجا هستم و بیشتر از همه اکتشاف این سرزمین برایمان جالب است. شاید کمی اطاله کلام باشد، اما آن اتفاقی که در حدود سه هفته پیش افتاد، با خودمان گفتیم آیا خداوند این گونه به ما توجه دارد؟

ما بر روی مقاله جیرفت کار می‌کردیم. جیرفت، منطقه باستانی است. شهر را نوشتیم، با خود گفتیم، خدایا دکتر مجید زاده را از کجا پیدا کنیم تا از وی بخواهیم که این قسمت را برایمان بنویسد پس از جست و جوی فراوان یکی از همکاران فرهنگنامه که در فرانسه کار می‌کند یک روز پیش ما آمد و مجله‌ای فوق‌العاده در باره جیرفت روی میز من گذاشت که نمونه‌هایی از آثار به دست آمده و دو مقاله طراز اول از خود آقای مجید زاده که البته به زبان فرانسه بود را شامل می‌شد. در واقع آنقدر اطلاعات جمع‌آوری گردید که خود من تقبل کردم این مقاله را تنظیم کنم. بعضی مواقع از این شاهکارها هم اتفاق می‌افتد که همه ما را به هیجان می‌آورد که چطور این مجله را به عنوان سوغات انتخاب کرده‌اند و برای ما آورده‌اند. وقتی به این مقاله نگاه می‌کنید نسبت به تمدن و هنر این سرزمین متعجب می‌شوید. هر کدام از نقش برجسته‌های روی سنگ‌ها انسان را یاد توزیع خرما در ۳۰۰۰ هزار سال پیش می‌اندازد که داستانی است که برای بچه‌ها در ایلام و بین‌النهرین تعریف می‌کردند. منظور این است که کار فرهنگنامه شتاب نمی‌پذیرد و بسیار کار دقیقی است. بزرگ‌ترین کاری که همه دوستان می‌توانند انجام دهند این است که اشتباهات ما را متذکر شوند و نقد کنند و نکته‌های مورد نظر را مطرح کنند. اگر به فرهنگنامه تشریف بیاورید، مشاهده می‌کنید که نه زونکن و جود دارد که هر نظری را از هر جایی راجع به هر مبحثی جمع‌آوری می‌کند و در جای خود ثبت می‌شود و اگر اشتباه بدی باشد حتماً در چاپ بعدی باید تصحیح شود و نمی‌تواند به صورت یک مطلب نادرست در دست بچه‌ها قرار گیرد. به عقیده من نباید دنبال محدود کردن دایرة المعارف‌هایی که کار می‌شود، به خصوص آنهایی که تألیف می‌شوند، بود، زیرا هر یک با هدف دیگری کار می‌شود. البته کارهای ترجمه‌ای مد نظر من نیست، زیرا به قول معروف غذای حاضر و آماده‌ای است. دایرة المعارف زن ایرانی مورد انتقاد و تاخت قرار گرفت، در حالی که من معتقدم که به آن نباید تاخت، بلکه مجموعه‌ای است قابل تفکر و پایه‌ای برای پیشرفت، در ویرایش بعدی و رفع نواقص و پرداختن به بُعد پژوهشی آن. این کار در حال حاضر یک گردآوری است، ولی بعدها می‌تواند بُعد پژوهشی پیدا کند و یک مقاله‌ها را چه نویسنده‌ها، چه هیأت ویراستاران از زاویه‌های دیگری مورد بررسی قرار دهند و سعی کنند تکمیل شود. ما سیستم تکمیلی خود را در نمایه و پیوست گنجانیدیم پس باید اطلاعات جدید را ارائه دهیم، بنابراین جلد دوازدهم پیوست و نمایه است تا هم مقاله‌های قبلی را روزآمد کند و هم کمبودهای دیگر را جبران نماید. مرحله دایرة المعارف نویسی را که از نیاز عمومی به دانش و اطلاعات سرچشمه می‌گیرد، دست‌کم نگیرید و با هدایت و پشتیبانی سعی کنید دایرة المعارف‌های اصلی را به سرانجام برسانید.

میرهادی:

دایرة المعارف زن ایرانی مورد انتقاد و تاخت قرار گرفت، در حالی که من معتقدم که به آن نباید تاخت، بلکه مجموعه‌ای است قابل تفکر و پایه‌ای برای پیشرفت، در ویرایش بعدی و رفع نواقص و پرداختن به بُعد پژوهشی آن. این کار در حال حاضر یک گردآوری است، ولی بعدها می‌تواند بُعد پژوهشی پیدا کند

قاسملو: من شخصاً به فرهنگنامه کودکان و نوجوانان به عنوان یک افتخار ملی نگاه می‌کنم. از فرمایشات خانم میرهادی لزوم بحث‌های تئوریک پیش از اقدام به انتشار یک دایرةالمعارف را دریافتیم. همان‌گونه که ایشان اشاره کردند سه سال از وقتشان را در مرحله مدخل‌گزینی گذرانده‌اند. خانم مقدسی سؤالی از دوستان گرامی دارند و بعد به موضوع اصلی بحث برمی‌گردیم.

مقدسی: من این سؤال برایم پیش آمد که با توجه به سابقه ۲۵ ساله فرهنگنامه که هنوز هم به اتمام نرسیده و در حرف «پ» است و مشخص نیست که در چه سالی منتشر شود؛ چون در مورد مدخل‌ها صحبت کردیم با توجه به دراز کشیده شدن کار فرهنگنامه کودکان و نوجوانان به جز مؤلفان، مقالات و کمبود منابع، عناوین مدخل‌هاست. هنگامی که مدخل‌نامه موسیقی انتخاب می‌شود این امر باعث به دراز کشیده شدن کار می‌شود. هنگامی که مخاطب فرهنگنامه کودکان و نوجوانان ۱۰ - ۱۶ ساله هستند، چگونه است که مقاله ولف، کسی که یک ایران‌شناس است وارد دانشنامه می‌شود در حالی که کمتر ۱۶ ساله‌ای هست که بخواهد صرفاً به دلیل چنین مقالاتی به آن مراجعه کند. گستردگی عناوین مدخل‌ها دایرةالمعارف را از سطح کودک و نوجوان بالا برده و مخاطبان آن بیشتر بزرگسال هستند، چه بسا کودکان و نوجوانان این گروه سنی نه نیاز به آن دارند و نه به آنها آموزش داده می‌شود و نه این قدر که مورد استفاده من است به آن مراجعه می‌کنند. ما نباید باعث شویم که کار به دراز کشیده شود، بلکه می‌توانیم با خوشه‌ای و یا فرستادن یک سری مدخل‌ها در درجات بعد کار را انجام دهیم.

میرهادی: ما ۵۰۰۰ مدخل داریم. با همه عدم حمایت‌های دستگاه‌ها و دانشگاه‌ها و با حمایت‌های مردمی ما خودمان نیز نگران زمان هستیم. به همین دلیل اکنون چهار خط تولید داریم، یعنی جلد‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ در حال تألیف است. چهار جلد را همزمان پیش می‌بریم و بر این اساس به یک‌کار بسیار دقیق آموزشی، بازآموزی و دادن گستره دید به مؤلفان کار می‌کنیم. شما فکر نکنید که ۳۰۰ نفر بلد هستند که مقاله بنویسند. بلکه در حین کار دانشنامه یاد می‌گیرند و بعد به طور کلی ساختار فرهنگنامه را طوری تغییر دادیم که گروه‌های تخصصی لااقل در سطح ویرایش مقدماتی، مقالاتشان را ارائه کنند. این خود مستلزم برگزاری جلسات آموزشی بسیار زیاد است. ساختن نویسنده برای این فرهنگنامه دغدغه دائمی است. ما ضمن این کار بسیار می‌آموزیم. ۳۵ گروه تخصصی داریم. هر گروه تخصصی یک هماهنگ‌کننده دارد و هر ماه یک هم‌اندیشی برگزار می‌شود و بحث‌های بسیار دائمی در هم‌اندیشی در می‌گیرد. گاه‌آقای آذرننگ و یا دکتر حری در این جلسات حضور می‌یابند و تجاربشان را در اختیار هماهنگ‌کننده و گروه قرار می‌دهند. مشاوران بسیار خوبی هم داریم که مقالات ما را به دقت کنترل می‌کنند تا اشتباهی در این زمینه پیش نیاید. خود نوجوانان بسیار تعیین‌کننده هستند. در مورد این مسأله جهانی شدن، دو نفر از متخصصان تراز اول مملکت منت بر ما نهادند و در یک جلسه، جهانی شدن را از دید اقتصادی مطرح کردند. بسیار جالب بود که جهانی شدن را از لحاظ اقتصادی نوعی اجبار جهانی تعریف کردند و یکی دیگر از این صاحب‌نظران در آن جلسه اظهار نظر نکرد. بعدها که شورای مشورتی را تشکیل دادیم و از نوجوانان خواستیم که در مورد جهانی شدن اظهار نظر کنند، نوجوانان به اندازه‌ای در مورد جهانی شدن به لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی خوب و مفید صحبت کردند و در مورد اختلاف بین جهانی شدن و جهانی سازی نیز از ما توضیح خواستند. ما سؤالات نوجوانان را تنظیم کرده و نزد اساتید فرستادیم. سه جور عکس‌العمل نشان داده شد، یکی کاملاً مخالف بود، دیگری به ناچار موافق بود و دیگری می‌گفت که باید در مورد آن فکر کرد.

گروه تخصصی باید مطالعات زیادی انجام دهد و در حال حاضر به پایه این مقاله رسیده‌ایم. مقاله قابل قبول زیرا از دید ایران به مسأله نگاه کرد، هر نوشته‌ای را نمی‌توان مقاله نامید. پشت هر مقاله بحث، تفکر، مطالعه و پژوهش وجود دارد. در نهایت مقاله باید شکل گیرد و شکل گرفتن آن زمان بر است.

در پیوست نمایه جلد پنجم، اطلاعات را تا حرف «ی» دارید. در جلد ۱۲ نمایه به شما اطلاعاتی تا حرف «ی» خواهد داد یعنی حتماً لازم نیست که به مقاله هرات مراجعه کنیم و اطلاعاتی در مورد هرات به دست آوریم. ما راجع به هرات ۱۲ اطلاع بسیار مفید در سایر مقالات پیدا می‌کنیم.

نمایه این کار را انجام می‌دهد. ولی حرکت دادن چهار خط تألیف بسیار سنگین است.

عماد خراسانی:

بچه‌های رامهریزی و خوزستانی

حق دارند که ایل خود را

بشناسند. اگر ما بزرگ‌ترها در

جامعه خودمان، به چنین

مسأله‌ای توجه نداشته‌ایم، ولی

کسانی که در مدخل‌گزینی برای

مخاطب کودکان و نوجوانان کار

می‌کنند، باید این رسالت را به

عهده داشته باشند و قطعاً این

افراد باید معلومات لازم را در

اختیار نوجوانان قرار دهند تا

زندگی بهتری را در آینده داشته

باشد.

عماد خراسانی: سرکار خانم میرهادی تمام نکات را بیان کردند. خانم مقدسی به جایز بودن بعضی از مداخل و سن مخاطبان اشاره کردند که در جواب عرض می‌کنم، اینجا ایران است و مخاطبان ایرانی هستند و باید ایرانیان را بشناسند. هدف دایرةالمعارف‌ها توزیع علم و فرهنگ است. مستحضر هستید که فرهنگنامه کودکان و نوجوانان جایزه انجمن ترویج علم را به همین دلیل کسب کرد. شاید اگر شما فرهنگنامه کودکان و نوجوانان را باز کنید و به مدخل «بهمه‌ای، ایل» برسید به خودتان بگویند که مشخص است که یک بچه ۱۰ - ۱۵ سال چنین موردی را نمی‌شناسد. اما ما با یک نمونه کاملاً جالب در منطقه خوزستان، بخش رامهرمز در هفتگل مواجه شدیم. بچه‌های این مناطق همه تبار بهمه‌ای دارند. بچه‌های رامهرمزی و خوزستانی حق دارند که ایل خود را بشناسند. اگر ما بزرگ‌ترها در جامعه خودمان، به چنین مسأله‌ای توجه نداشته‌ایم، ولی کسانی که در مدخل گزینی برای مخاطب کودکان و نوجوانان کار می‌کنند، باید این رسالت را به عهده داشته باشند و قطعاً این افراد به دلیل اینکه معلومات لازم را در اختیار نوجوانان قرار دهند تا زندگی بهتری را در آینده داشته باشد.

مقدسی: بحث من این نبود که چرا این روش این‌گونه است، بحث در مورد زمان طولانی انتشار دایرةالمعارف بود یا برعکس اینکه باید حتماً در یک زمان مثلاً سه ساله یک دایرةالمعارف همراه با نواقصی منتشر شود.

از طرفی دایرةالمعارف‌ها، مخاطبان را سال‌ها در انتظار می‌گذارند. بنابراین به نظر من ما باید تدبیری بیندیشیم که نه آنقدر زمان به درازا بکشد و نه آنقدر شتاب زدگی که دایرةالمعارف آکنده از خلأهای اطلاعاتی فاحش منتشر شود. زیاد بودن و یا کوتاه و بلند بودن مدخل‌ها - مثلاً مدخل ایران، از مداخل طولانی فرهنگنامه کودکان و نوجوانان است - حسن فرهنگنامه است، و خود مدخل بهمه‌ای نشانه کمال طلبی است. اما این کار به قیمت و درازای زمانی که برای آن صرف می‌شود، می‌ارزد؟

عماد خراسانی: از آنجاکه باید از بحث نتیجه‌گیری شود، اولاً عزیزان بنیان‌گذار فکر فرهنگنامه کودکان و نوجوانان اداره‌کنندگان و سرپرستان فرهنگنامه، قرار نیست آنچه را که پایه‌گذاری کرده‌اند و تفکری بر اجرای آن دارند و خود را به طور کامل وقف آن کرده‌اند، در همین دوره به پایان برسانند. خوشبختانه کارفرمای فرهنگنامه کودکان و نوجوانان واژه عشق است که تمامی ندارد، تمدن ۳۰۰۰ ساله ایرانی و ایرانیت و اسلامیت و تمام واژه‌های زیبایی که ما را به این سرزمین وابسته می‌کند، نمی‌توانیم به دلیل اینکه زمان را دریابیم و کوتاه کنیم، آنها را به اختصار بیان کنیم. به هر حال تا لحظه‌ای که امکانات حیاتی باشد، این قدم برداشته می‌شود و بعد از آن نیز دیگران این کار را به عهده می‌گیرند.

میرهادی: دغدغه شما در مورد زمان برای ما هم وجود دارد. شما به نکته درستی اشاره کردید. سطح مقالات ما به گونه‌ای است که معلمان و والدین هم از آن استفاده می‌کنند. وقتی هدف‌گذاری صورت گرفت، یادشادروان «جهانشاهی» بخیر، او به این نکته توجه داشت که معلم و هم‌چنین والدین نیز بتوانند از طریق فرهنگنامه پاسخ سوالات دانش‌آموزان را بدهند.

به طور کلی فرهنگنامه کودکان و نوجوانان دقیقاً برای این سنین تدوین می‌شود، اما اطلاعات آن جامع است و بسیار برای ما جالب است که هنگامی با «شورای مشورتی کودکان و نوجوانان» صحبت می‌کنیم، سطح اطلاعات آنها بالاتر از والدین شان است. اگر کودکی یاد بگیرد که به کتاب مرجع مراجعه کند، هنگامی که به دانشگاه هم رفت، همین کار را انجام می‌دهد و ما این عادت را در او ایجاد کرده‌ایم که جواب سوالاتش را از کتب مرجع پیدا کند و اگر ازدواج کرد و بچه‌دار شد، فرهنگنامه را در اختیار دارد تا به سوالات فرزندش نیز پاسخ دهد.

قاسملو: اجازه بدهید که به موضوع ارجاعات درون‌متنی برگردیم از آقای افشار سؤال می‌کنم که دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی چه تدبیری برای ارجاعات اندیشیده است؟

افشار: ارجاعات درون‌متنی از نوعی که مصاحب اعمال کرد و آنچه که امروزه هایپرلینک در جهان الکترونیک نامیده می‌شود، در آن زمان مصاحب در هنگام چاپ اعمال کرد. این کار یک شاهکار است و بحثی در آن نیست. اما ارجاعات درون‌متنی الزاماً ضرورت همه دایرةالمعارف‌ها نیستند، خصوصاً

میرهادی:
اگر کودکی یاد بگیرد که به کتاب مرجع مراجعه کند، هنگامی که به دانشگاه هم رفت، همین کار را انجام می‌دهد و ما این عادت را در او ایجاد کرده‌ایم که جواب سوالاتش را از کتب مرجع پیدا کند و اگر ازدواج کرد و بچه‌دار شد، فرهنگنامه را در اختیار دارد تا به سوالات فرزندش نیز پاسخ دهد.

دایرةالمعارف‌های تخصصی، دانشنامه‌های تخصصی برای اهل حرفه منتشر می‌شوند و معمولاً پایه‌های مهم دانش در آن حوزه را مورد بررسی قرار می‌دهند و در ذیل آن ممکن است ارجاعاتی نیز بدهند. من شخصاً در دایرةالمعارف‌های تخصصی متعددی که اخیراً و یا گذشته که حتی به زبان انگلیسی هم منتشر شده‌اند، ارجاعات درون متنی ندیده‌ام و به نظر نمی‌رسد که ضرورتی داشته باشد، ولی در مورد دایرةالمعارف‌های عمومی، خیلی خوب است.

قاسملو: یعنی هیچ نوعی سطحی از ارجاعات درون متنی در دایرةالمعارف عمومی وجود نداشته باشد؟

افشار: به نظر من نیازی نیست.

قاسملو: جلد اول دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی ارجاع درون متنی دارد.

افشار: در مورد جلد دوم هنوز چنین تصمیمی گرفته نشده است، ولی اصولاً ارجاعات درون متنی یک فضیلت است.

قاسملو: شما به سطح استفاده کننده از دایرةالمعارف اشاره کردید، موضوع این است که این استفاده کننده، آیا باید الزاماً از آن حداقل ارتباطات اطلاع داشته باشد که شما آن را به اهل حرفه تعبیر کردید. افشار: وجود ارجاع درون متنی خوب و مفید است. بعضی از سازمان‌های تولیدکننده، سازمان‌هایی که ملاحظات اقتصادی را در نظر می‌گیرند، شاید برایشان مقدور نباشد که چنین کاری را انجام دهند. البته در حال حاضر این کار راحت شده است. اگر شما تمام مدخل‌ها و حروفی را که مدخل قرار گرفته‌اند در حروف، سیاه و یا در متن الکترونیک، آبی و یا برجسته کنید، این کار پسندیده است، ولی اگر کسی این کار را انجام نداد گناه کبیره‌ای انجام نداده است.

قاسملو: چرا جناب عالی اصرار دارید که اگر کسی چنین کاری را در مورد دایرةالمعارف انجام ندهد، خطا نکرده است؟ به عنوان مثال در مقاله آذربایجان، من شخصاً به کتابخانه ملی تبریز ارجاع دادم و دوست دارم از بناهای متعدد آن آگاهی یابم. در مقاله آذربایجان آمده است که «آذربایجان مهد کتابخانه بوده است و این که کتابخانه ملی تبریز مهم‌ترین کتابخانه استان و یکی از کتابخانه‌های مهم ایران که یادگار دو برادر مرحوم نخجوانی است و اینکه در سال ۱۳۷۴، ۷۲۰۰۰ جلد کتاب داشته است» و فقط همین مقدار اشاره شده است. من به عنوان یک خواننده غیر حرفه‌ای حق دارم که بگویم آیا کتابخانه ملی تبریز در این دایرةالمعارف مدخل هست یا خیر. این در حالی است که در جلد اول نمایه وجود ندارد.

افشار: جلد دوم نمایه دارد.

قاسملو: یعنی من تا چاپ جلد دوم دایرةالمعارف باید صبر کنم؟

افشار: من پیشنهاد کرده‌ام که دایرةالمعارف کتابداری اطلاع‌رسانی، ویرایش Online هم داشته باشد که همین طور که به تعداد مدخل‌ها اضافه می‌شود، نسخه جدید نیز ایجاد شوند. ویرایش کاغذی هم دارد که در آن می‌توان مواردی را که در نسخه الکترونیک برجسته شده، آنجا سیاه کنند.

قاسملو: من می‌خواهم صرفاً نظر جناب عالی را بدانم. در حال حاضر با یک جلد از دایرةالمعارف روبه‌رو هستیم، آیا خوب است که سطحی از ارجاعات درون متنی در آن باشد یا خیر؟ اگر خوب است در جلد دوم نیز رعایت می‌شود.

افشار: حتماً اعمال می‌شود. اگر در جلد اول اعمال شده مسلماً در جلد دوم هم اعمال می‌شود.

قاسملو: خانم میرهادی به دقت به موضوع بررسی‌های تئوریک قبل از انتشار دایرةالمعارف اشاره کردند، آیا در این مورد خاص یعنی دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، بحث‌های تئوریک قبل از انتشار صورت گرفته است یا خیر؟

افشار: من شخصاً نمی‌توانم جواب دهم. موقعی که بحث‌ها شکل گرفته است، من حضور نداشته‌ام و مدرک و سندی هم ندیده‌ام.

قاسملو: پس سندی هم وجود نداشته تا به عنوان مصوبه به تصویب برسد؟

افشار: اطلاع ندارم. من هنگامی که کارم را شروع کردم، دریافتیم که مواردی شکل گرفته است و ما

افشار:

تزاروس ها خدمت بزرگی
برای تعریف دانش در یک
حوزه می‌کنند و نه تنها رابطه
سلسله مراتبی بین مفاهیم
را ترسیم می‌کنند، بلکه
مدل‌های درختی نیز از
دانش این رشته ارائه
می‌کنند

سعی می‌کنیم در آن راستا حرکت کنیم و بیشتر موارد بر طبق جلد اول عمل کردیم. البته در انتشار جلد اول نیز همکاری داشته‌ام، ولی به خاطر ندارم که از ارجاعات درون متنی آن‌گونه که در مصاحب وجود داشته است در آن به کار رفته باشد، البته اگر وجود داشته باشد چیزی شبیه نمایه می‌شود. اگر این ارجاعات نبود نواقصی محسوب نمی‌شود، ولی اگر باشد، بهتر است هر چند که نقاط باز یابی و دستیابی در متنی بیشتر باشد، بهتر است.

قاسملو: پس جناب‌عالی با نفس عمل موافق هستید اما نبود آن را نقیصه نمی‌دانید.

اجتهادی: در طرح اولیه دایرة المعارف زن ایرانی به سیستم ارجاعات توجه داشتیم و فرض را این گرفتیم کسی که به دایرة المعارف مراجعه می‌کند، به دنبال آخرین دانسته‌های ممکن در مورد هر مسأله است. روش دایرة المعارف بدین صورت است که یک موضوع را در مدخل‌ها و مقالات مختلف جای دهیم. به همین دلیل با توجه به اینکه با چه حرفی آغاز می‌شوند، در کل دایرة المعارف پخش می‌شوند. اگر کسی بخواهد به دایرة المعارف مراجعه کند برای اینکه محدوده موضوع بررسی‌اش را مشخص نماید، و ارتباط آن با موضوعات دیگر را بررسی کند، باید به ارجاعات تسلط داشته باشد و در اصل متن هر کجا که لازم است ارجاع بدهیم. زیرا دایرة المعارف یعنی دایرة المعارف، یعنی موضوع را تمام و کمال در اختیار خواننده قرار دهد.

قاسملو: آیا می‌توانیم اتفاقی را که در مورد دایرة المعارف زن ایرانی رخ داد یک فاجعه تعبیر کنیم و یا اینکه واقعاً قدمی به جلو برداشته‌ایم؟ و یا اینکه از این طرف و آن طرف یک سری مقالات را جمع کرده‌ایم و به خواننده تحویل می‌دهیم. در هر صورت کم‌ترین فایده این است که حالا به صورت دیگری به این اصطلاح دانشنامه نگاه می‌کنیم.

اجتهادی: اسم من را با نارضایتی در دانشنامه قرار دادند. تنها چیزی که ما را تسکین می‌داد این بود که حالا کار را تحویل دهیم شاید فرصتی ایجاد شود تا در مراحل بعدی اصلاح شود. افسار: به نظر من در هر کاری اگر چارچوب آن درست چیده شده باشد، قابل بسط است.

قاسملو: البته اگر چارچوب آن هم درست باشد، وحی نازل شده نیست، باید بررسی کرد که چه هزینه‌ای برای انجام کار خرج شده است و این هزینه به آن یک قدم به جلو می‌ارزد یا خیر؟

عماد خراسانی: دایرة المعارف کتابداری - اطلاع‌رسانی در ابتدای امر، کاملاً در جریان یک بحث و بررسی دقیق قرار گرفت و جلسات متعدد و بررسی‌های بسیار روی آن صورت گرفت و در نهایت به این نتیجه رسیدند که تعدادی مدخل‌های ابتدایی طراحی شود. بعد نظر خواهی‌های متعددی در مورد آن صورت گرفت و سپس وارد مرحله تولید، ترجمه، تألیف و تحقق شد.

قاسملو: عدم وجود ارجاعات درون متنی هم، آیا نتیجه آن بحث‌ها و بررسی‌ها بوده است؟
عماد خراسانی: قطعاً نه.

قاسملو: فقط در مورد مدخل‌گزینی در نشست‌ها بحث صورت نگرفته است؟

عماد خراسانی: به طور کلی در مورد ساختار و تقسیم‌بندی حجم مقالات و اینکه چه مقدار از دایرة المعارف را به خود اختصاص دهد، چه میزان ترجمه در آن دخالت داشته باشد، چقدر تصویر در آن استفاده شود بحث‌های اولیه‌ای بود که صورت گرفت، ولی راجع به تدوین آنها هیچ‌گونه اطلاعاتی ندارم. رسم و اخلاق من این بود که عرض کنم که این کار صورت گرفته است.

قاسملو: در این جلسه موضوع چگونگی انتشار دانشنامه دایرة المعارف زن ایرانی را به وسیله مکاشفه به دست آوردیم، اینکه چرا شاهد ایجاد یک کتاب دست دوم هستیم و به لزوم اهمیت بحث‌های تئوریک قبل از تعرض به انتشار دانشنامه و به بررسی مداخل پرداختیم. هم‌چنین این سؤال مطرح شد که آیا می‌توان به الگوی واحدی در زمینه مدخل‌نویسی برای ایرانیان لاقول در سطح عمومی و متوسط دست یافت؟ البته طبیعی است که بحث برای آیندگان باز است و وارد بحث باید‌ها و نباید‌ها شدیم.

امیدوار هستم بحث‌هایی مثل این به انتشار دایرة المعارف‌ها در ایران کمک کند.

از حوصله خانمها و آقایان تشکر می‌کنم.

اجتهادی:
در تحقیقات‌مان در پی این بودیم که بدانیم چرا دایرة المعارف نویسی ایجاد شد؟ در یک کلام باید گفت دایرة المعارف، مجموعه دانسته‌هایی است که باید جمع‌آوری شود تا پایه دانش امروز را تشکیل دهد و راه رسیدن فردا را هموار کند.